

Research
Article

The Mediating Role of Boredom in the Relationship between Cognitive Abilities and Addiction Readiness in Students

Saeideh Sabzian¹, Hora Lajevardi²

Received:2024/02/29 Accepted:2024/05/11

Abstract

Objective: The study aimed to investigate the mediating role of boredom in the relationship between cognitive abilities and addiction readiness in students.

Method: The present research employed a descriptive-correlational approach using structural equation modeling. 200 students from the second secondary school in Khorramabad city were selected using a multi-stage cluster sampling method. The tools used in this research included the cognitive abilities questionnaire, the multidimensional state boredom, and the addiction readiness scale. To analyze the research model, the structural equation model was employed using AMOS 24 software. **Results:** The findings showed that cognitive abilities had a significant direct effect on readiness for addiction, and boredom played a significant mediating role in this relationship. Overall, the results indicated that the model had a good fit. **Conclusion:** It is suggested that educational systems take steps to enhance cognitive abilities and focus on relevant and effective structures. This approach can help reduce boredom and potentially decrease susceptibility to addiction.

Keywords: Addiction readiness, Cognitive abilities, Boredom, Students

1. Corresponding Author: Department of Counseling, Hazrat-e-Masoumeh University, Qom, Iran. Email: s.sabzian@hmu.ac.ir

2. MA, Department of Psychology, Islamic Azad University, Ashtian Branch, Ashtian, Iran.

نقش واسطه‌ای بی‌حوصلگی در رابطه بین توانایی‌های شناختی با آمادگی به اعتیاد در دانش‌آموزان

سعیده سبزیان^۱، حورا لاجوردی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی بی‌حوصلگی در رابطه بین توانایی‌های شناختی با آمادگی به اعتیاد در دانش‌آموزان بود. **روش:** روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. از میان دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم شهر خرم‌آباد، ۲۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه توانایی‌های شناختی، مقیاس چندبعدی حالت بی‌حوصلگی و مقیاس آمادگی به اعتیاد بود. به منظور تحلیل مدل پژوهش از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS24 استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که توانایی‌های شناختی بر آمادگی به اعتیاد اثر مستقیم معناداری داشت و بی‌حوصلگی در این رابطه نقش واسطه‌ای معناداری داشت. در مجموع، نتایج نشان داد که مدل از برازش مطلوبی برخوردار بود. **نتیجه‌گیری:** پیشنهاد می‌شود سیستم‌های آموزشی در راستای بهبود و پوشش توانایی‌های شناختی گام برداشته و به سازه‌های مرتبط و مؤثر بر آن توجه داشته باشند، که زمینه برای کاهش بی‌حوصلگی فراهم شود و نتیجه آن می‌تواند کاهش آمادگی به اعتیاد باشد. **کلیدواژه‌ها:** آمادگی به اعتیاد، توانایی‌های شناختی، بی‌حوصلگی، دانش‌آموزان

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. پست الکترونیک:

s.sabzian@hmu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، آشتیان، ایران

مقدمه

اعتیاد و وابستگی به مواد یک اختلال روان‌پزشکی پیچیده است که امروزه به معضل بزرگ هر جامعه‌ای تبدیل شده است. اعتیاد به عنوان بیماری جسمانی و روانی که به رفتارهای ناسازگار و آسیب‌رسان با پیامدهای مخرب در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی ختم می‌شود، سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد (مصطفی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). خطر اعتیاد به مواد مخدر از نوجوانی شروع می‌شود (بشرپور و محمدنژاد دوین، ۱۴۰۱). نوجوانی دوره‌ای چالش‌برانگیز از لحاظ اجتماعی، احساسی و روان‌شناختی در زندگی هر فردی است (قره‌داغی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ به‌طوری‌که آمارهای موجود نشان می‌دهد حدود ۱۶ درصد مصرف‌کنندگان مواد در ایران کمتر از ۱۹ سال سن دارند (صدری دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۷).

مطالعات نشان می‌دهند که برخی افراد آمادگی به اعتیاد دارند که آنها را نسبت به انواع اعتیادها آسیب‌پذیر می‌کند. آمادگی به اعتیاد^۲، نوعی استعداد روانی-اجتماعی است که به‌صورت بیمارگونه در طی زندگی شکل می‌گیرد و فرد را آماده و مستعد مصرف مواد می‌کند (لوران^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که در شکل‌گیری اعتیاد، زمینه‌های رشدی ناسالم و آمادگی برای اعتیاد نقش اساسی دارد (اولری-بارت^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). در خصوص عوامل فردی مؤثر بر اعتیاد، نقش عوامل شناختی توسط برخی از پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است؛ برتلسون^۵ و همکاران (۲۰۱۷) مهارت‌های شناختی سطح بالا را مهارت‌های مهمی می‌دانند که افکار و اعمال و توجه فرد را در جهت رسیدن به یک هدف مفروض تنظیم می‌کنند. آنان دریافتند ضعف در مهارت‌های شناختی سطح بالا با کاهش ادراک خطر و افزایش رفتارهای پرخطر به خصوص مصرف مواد رابطه دارد. اسلوبودین^۶ و همکاران (۲۰۲۰) نیز بیان می‌کنند که اختلالات نقص توجه/بیش‌فعالی و مصرف مواد در حوزه‌های شناختی مانند برنامه‌ریزی، حافظه فعال، تصمیم‌گیری، خودتنظیمی باهم ارتباط دارند. مسلمان و همکاران (۱۳۹۷) در

1. Moustafa
2. addiction potential
3. Levran

4. O'Leary-Barrett
5. Berthelsen
6. Slobodin

پژوهشی نشان دادند بین آمادگی به اعتیاد و سیستم بازداری رفتاری، سیستم فعال‌سازی رفتاری، سائق، جستجوی سرگرمی و توانایی‌های شناختی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. توانایی‌های شناختی، مجموعه‌ای از قابلیت‌های برتر سازمان‌دهی و یکپارچه‌سازی هستند که در سطح عصبی-آناتومی با مسیرهای مختلف تعامل عصبی همچون قشر پیش‌پیشانی در ارتباط بوده (ثورمن و تورسنی^۱، ۲۰۱۴) و شامل پیش‌بینی و ایجاد اهداف، برنامه‌ریزی، خودنظم‌جویی و نظارت بر نیل به مقصود، اجرا و بازخورد مؤثر برنامه‌ها، حافظه کاری و غیره هستند که برای فعالیت مستقل، هدفمند و سازگاری موفقیت‌آمیز حیاتی‌اند (چیداکوا^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). توانایی‌های شناختی را می‌توان به‌عنوان شاخصی از انجام امور به صورت «چه وقت و چگونه» برای بروز عملکردهای رفتاری عادی توصیف کرد که به دانش‌آموزان برای برنامه‌ریزی، دستیابی به اهداف، خودگردانی، بازداری پاسخ نامناسب، انعطاف‌پذیری و رفتار آینده‌مدار کمک می‌کند (برتلسون و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به شواهد پژوهشی (سانچز-گارسیا^۳ و همکاران، ۲۰۲۰؛ سولر^۴ و همکاران، ۲۰۱۹؛ علیزاده گوردل و همکاران، ۱۳۹۲) از عوامل مهم مرتبط با آمادگی به اعتیاد می‌توان به اختلال نقص توجه اشاره کرد. از سوی دیگر، تحقیقات بسیاری مؤید اثرگذاری مواد اعتیادآور بر مغز و در نتیجه اثر بر روی توانایی‌های شناختی هستند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی مصرف مواد با آسیب‌هایی در عملکرد شناختی از جمله حل مسئله، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، یادگیری مطالب جدید، ادراک فضایی-بینایی، انعطاف‌پذیری شناختی و مهارت‌های به‌یادسپاری مرتبط می‌باشد (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۵). مطالعات نشان می‌دهد اعتیاد یک چرخه اجباری است که از طریق عدم تنظیم در مدار عصبی حاکم بر انگیزه، تجارب لذت‌بخش، رفتارهای عادی و کارکردهای اجرایی تثبیت و گسترش می‌یابد (کوب و ولکو^۵، ۲۰۱۶).

در کنار موارد مطرح شده، توانایی‌های شناختی ممکن است مستقیماً بر آمادگی به اعتیاد اثرگذار نباشند و متغیرهای زیادی این رابطه را میانجی‌گری کنند که در بین آنها

1. Thurman & Torsney
2. Chidakwa
3. Sánchez-García

4. Soler
5. Koob & Volkow

می‌توان به بی‌حوصلگی اشاره کرد. توانایی‌های شناختی پتانسیل و ظرفیتی هستند که در فکر، اندیشه، رفتار و عمل انسان جلوه پیدا می‌کند و یکی از الزامات اساسی برای خلق راه‌حل‌های مهم جهت خلق هیجان‌های مثبت و غلبه بر تجربه هیجانی منفی از جمله بی‌حوصلگی و افسردگی در زندگی پیچیده، مدرن و شتابان جوامع امروزی هستند (ژو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱؛ بروسووسکی^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). در واقع ضعف در توانایی‌های شناختی به عنوان یک عامل مهم مفهوم‌سازی می‌شود که باعث می‌گردد افراد بی‌حوصلگی را تجربه کنند (زارعی و همکاران، ۱۴۰۱؛ نلسون-بیکر^۳، ۲۰۲۰؛ والاس^۴ و همکاران، ۲۰۰۳؛ گوردن^۵ و همکاران، ۱۹۹۷) و بی‌حوصلگی به عنوان یک وضعیت منفی خلقی سبب می‌شود که بسیاری از افراد سعی کنند با مصرف مواد آن را تسکین دهند (زارعی، ۱۴۰۰؛ چو^۶ و همکاران، ۲۰۱۸؛ دنسون^۷ و همکاران، ۲۰۱۱؛ لپرا^۸، ۲۰۱۱؛ وگنر و فلیشر^۹، ۲۰۰۹). بی‌حوصلگی به عنوان یک وضعیت خلقی منفی در نتیجه مواجهه با محیطی غیرچالش‌انگیز و بدون جاذبه ایجاد می‌شود و دارای طیف گسترده‌ای از بی‌حوصلگی خفیف تا شدید می‌باشد (دیوالی و لی^{۱۰}، ۲۰۲۱). این سازه یک پدیده روان‌شناختی است که به عنوان یک حالت تنفر یا ناسازگاری با هر نوع تجربه تکراری مانند کار روزانه، برخورد با افراد کسل‌کننده و ملال‌آور و بی‌قراری زیاد در شرایط تعریف می‌شود که رهایی از آن امکان‌پذیر نیست (شارپ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۰). بی‌حوصلگی حالتی از برانگیختگی نسبتاً پایین همراه با احساس نارضایتی از یک موقعیت تحریکی نامناسب است که با یک احساس ملالت، بی‌معنایی، بی‌توجهی، بی‌قراری، پوچی، کسالت و فقدان تمایل به ارتباط با محیط فعلی مشخص می‌شود (لی و زلمان^{۱۲}، ۲۰۱۹). افرادی که به صورت پیوسته و مداوم بی‌حوصله هستند، معمولاً فاقد هرگونه هدف خاصی در زندگی می‌باشند و معمولاً در یافتن معنا برای زندگی خود با شکست مواجه می‌شوند (ریندل^{۱۳} و همکاران،

1. Xu

2. Brosowsky

3. Nelson-Becker

4. Wallace

5. Gordon

6. Chou

7. Denson

8. Lepera

9. Wegner & Flisher

10. Dewaele & Li

11. Sharp

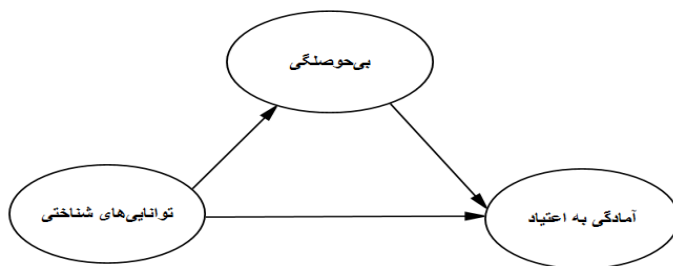
12. Lee & Zelman

13. Reindl

۲۰۱۸). از دیگر عوارض و پیامدهای منفی بی‌حوصلگی می‌توان به افت عملکردهای حرفه‌ای و تحصیلی، افزایش خطر مصرف مواد مخدر، افزایش احتمال بروز اختلال‌های روانی مانند، اضطراب، افسردگی، ناامیدی، تنهایی و بی‌هدفی در زندگی اشاره کرد (هانتر و استوود، ۲۰۲۱). در کنار موارد مطرح شده، وگنر و فلیشر (۲۰۰۹) و لپرا (۲۰۱۱) در مطالعاتی که در بین نوجوانان انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که بی‌حوصلگی با افزایش رفتارهای پرخطر از جمله گرایش به مصرف سیگار و مواد ارتباط مثبت دارد. دنسون و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بی‌حوصلگی باعث می‌شود خودکنترلی نوجوانان کاهش یابد و در نتیجه آن‌ها به رفتارهای پرخطری مانند مصرف مواد گرایش داشته باشند. در پژوهشی دیگر، چو و همکاران (۲۰۱۸) در بین نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله به این نتیجه رسیدند که بی‌حوصلگی یک صفت روان‌شناختی مشکل‌زا است و احتمالاً دامنه وسیعی از رفتارهای پرخطری از قبیل گرایش به مصرف الکل، ماری جوانا و همچنین اعتماد به اینترنت را افزایش می‌دهد. زارعی (۱۴۰۰) در پژوهشی با هدف تعیین نقش تعدیل‌کنندگی بهزیستی معنوی در رابطه بین بی‌حوصلگی و آمادگی اعتماد، نشان دادند که بین بی‌حوصلگی و آمادگی اعتماد رابطه مثبت معنادار و بین بهزیستی معنوی و آمادگی اعتماد رابطه منفی معناداری وجود داشت. همچنین، نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی، نقش تعدیل‌گر بهزیستی معنوی در رابطه بین بی‌حوصلگی و آمادگی اعتماد را مورد تایید قرار داد. زارعی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی نشان دادند که درمان شناختی-رفتاری مثبت‌نگر بر کاهش سطح بی‌حوصلگی و اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. همچنین نتایج پژوهش نلسون-بیکر (۲۰۲۰) نشان داد هر چه قدر افراد توانایی‌های شناختی رشدیافته‌تری داشته باشند و از نظر ابعاد توانایی‌های شناختی از قبیل حافظه، توجه انتخابی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، توجه پایدار، شناخت اجتماعی و انعطاف‌پذیری شناختی در سطح بالاتری باشند، راحت‌تر در محیط‌های آموزشی و شغلی سازگار می‌شوند و احساس لذت و سرزندگی از زندگی خود را پیدا می‌کنند. مطالعه والاس و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد که بین نمرات بالای بی‌حوصلگی با نمرات بالای ناتوانی‌شناختی که تمایل به ایجاد

اشتباهات در انجام تکالیف را می‌سنجد، رابطه دارد. گوردن و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی نشان دادند که نمرات بالای بی‌حوصلگی با توجه پایین ارتباط دارد.

گرایش به مصرف مواد به عنوان یک مسئله جهانی مطرح می‌باشد؛ اما پژوهشگران معتقدند که راهکارهای رفع این مشکل بر اساس شرایط هر منطقه، افراد در معرض خطر و عوامل خطر ساز آن متفاوت است (مرادی شکیب و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به متنوع بودن علل گرایش به مواد مخدر در گروه‌های جمعیتی مختلف، همچنین خسارت‌های جبران‌ناپذیر این مشکل بهداشتی و اجتماعی بر اقتصاد و نیروی انسانی جامعه، مقایسه گرایش افراد و عوامل مستعدکننده مصرف مواد مخدر ضروری است؛ زیرا طراحی اقدامات پیشگیرانه و درمان مناسب این افراد، با بررسی دقیق این عوامل امکان‌پذیر است. با جستجو در پایگاه‌های علمی معتبر، پژوهشی یافت نشد که به بررسی نقش واسطه‌ای بی‌حوصلگی در رابطه بین توانایی‌های شناختی با آمادگی به اعتیاد پرداخته باشد که حاکی از خلأ پژوهشی در این حوزه است. علاوه بر این، حساسیت و احتمال آسیب‌پذیری بیشتر در نوجوانان به‌طور عام و دانش‌آموزان پسر به‌طور خاص بیانگر ضرورت و اهمیت دوچندان پژوهش حاضر است. با توجه به عدم وجود اطلاعات جامع در این مورد، تدوین مدلی برای پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد می‌تواند خلأ پژوهشی در این حوزه را کاهش داده و به غنای ادبیات تجربی موضوع کمک شایانی داشته باشد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌دهی به این سؤال است که آیا بی‌حوصلگی در رابطه بین توانایی‌های شناختی با آمادگی به اعتیاد نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند؟



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پسر دوره‌ی متوسطه‌ی دوم شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. حجم نمونه با رجوع به راهکار کلاین^۱ (۲۰۱۵) برای مطالعاتی که از روش معادلات ساختاری استفاده می‌کنند، تعیین شد. کلاین (۲۰۱۵) مطرح می‌کند که حداقل نسبت حجم نمونه برای هر متغیر مشاهده شده ۵ نفر است، نسبت ۱۰ نفر به ازای هر متغیر مناسب‌تر و نسبت ۲۰ نفر به ازای هر متغیر مطلوب قلمداد می‌شود؛ بنابراین در پژوهش حاضر با توجه به امکان ریزش نمونه‌ها و همچنین اطمینان بالای یافته‌ها و تعمیم دهی بهتر، نمونه‌ای برابر با ۲۲۰ نفر، به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ بدین شیوه که ابتدا از میان نواحی دوگانه شهر خرم‌آباد ناحیه دو به عنوان نخستین خوشه انتخاب شد. در مرحله بعد، در ناحیه دو از میان مدارس پسرانه، دو مدرسه به تصادف انتخاب شدند. در مرحله سوم، در میان پایه‌های تحصیلی، پایه‌های دهم تا دوازدهم مبنای نمونه‌گیری قرار گرفتند و سپس به صورت تمام‌شماری پرسش‌نامه در میان دانش‌آموزان توزیع شد که در نهایت ۲۰۰ پرسش‌نامه تکمیل گردید. معیارهای ورود عبارت بود از: اعلام رضایت آگاهانه برای شرکت در مطالعه و ملاک خروج از پژوهش، عدم تمایل به تکمیل پرسشنامه و تکمیل ناقص پرسشنامه بیش از ۵ درصد سؤالات بود. در این مطالعه، اصول اخلاقی پژوهش شامل رازداری و حفظ حریم خصوصی اشخاص رعایت شد. داده‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS^{۲۴} تحلیل شدند.

ابزار

۱- مقیاس آمادگی به اعتیاد^۳: این مقیاس توسط وید^۳ و همکاران (۱۹۹۲) ساخته شده است و زرگر و همکاران (۱۳۸۷) مقیاس ایرانی آمادگی به اعتیاد را با توجه به شرایط روانی،

1. Kline
2. addiction readiness scale (ARS)

3. Weed

فرهنگی و اجتماعی ایران ارائه کردند. این پرسشنامه شامل دو بعد آمادگی فعال (رفتارهای ضداجتماعی، میل به مصرف مواد) و آمادگی منفعل (عدم ابراز وجود و افسردگی) است. این مقیاس ۳۶ ماده به اضافه ۵ ماده دروغ‌سنج را دارا می‌باشد. نمره گذاری هر سؤال به صورت یک پیوستار از صفر (کاملاً مخالفم) تا ۳ (کاملاً موافقم) انجام می‌شود (سؤالات ۶، ۱۲، ۱۵ و ۲۱ نمره گذاری معکوس دارند). نمرات بالاتر (۰-۱۸۰) نشان‌دهنده آمادگی بالای فرد به اعتیاد می‌باشند و برعکس. از آنجایی که تعداد گویه‌های هر مؤلفه متفاوت هستند؛ لذا در گزارش میانگین‌ها، مجموع نمرات کل مقیاس و مؤلفه‌های آن بر تعداد گویه‌ها، تقسیم شده که عددی بین طیف نمره گذاری (۰ تا ۵) است. زرگر و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی جهت محاسبه روایی این مقیاس از دو روش استفاده کردند. روایی ملاکی پرسشنامه آمادگی به اعتیاد دو گروه وابسته به مواد مخدر و افراد عادی و غیر وابسته به مواد مخدر را به خوبی از یکدیگر تمیز داده است. روایی سازه این مقیاس از طریق همبسته کردن با مقیاس ۲۵ ماده‌ای فهرست علائم بالینی ۰/۴۵ به دست آمده است که نشان‌دهنده معنی داری آن می‌باشد. اعتبار مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه شد که در حد مطلوب می‌باشد (زرگر و همکاران، ۱۳۸۷). ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۸ به دست آمد.

۲- مقیاس چندبعدی حالت بی‌حوصلگی^۱: این مقیاس در سال ۲۰۱۱ توسط فالمن^۲ و همکاران، به منظور سنجش حالت بی‌حوصلگی طراحی شد. این مقیاس دارای ۲۹ گویه و پنج خرده مؤلفه، انگیزختگی بالا (گویه‌های ۵، ۱۲، ۱۴، ۲۱ و ۲۷)، انگیزختگی پایین (گویه‌های ۴، ۸، ۱۰، ۲۵ و ۲۹)، یکنواختی (گویه‌های ۲، ۷، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۴ و ۲۸)، درک زمان (گویه‌های ۱، ۶، ۱۱، ۱۸ و ۲۶) و بی‌توجهی (گویه‌های ۳، ۱۶، ۲۰ و ۲۳) است. هر گویه بر روی طیف لیکرت پنج درجه‌ای از (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) نمره گذاری می‌شود. کسب نمره بالا در این مقیاس نشان‌دهنده بی‌حوصلگی بیشتر در شرکت کنندگان است. از آنجایی که تعداد گویه‌های هر مؤلفه متفاوت هستند؛ لذا

در گزارش میانگین‌ها، مجموع نمرات کل مقیاس و مؤلفه‌های آن بر تعداد گویه‌ها، تقسیم شده که عددی بین طیف نمره‌گذاری (۰ تا ۵) است. فالمن و همکاران (۲۰۱۱) برای احراز همسانی درونی گویه‌های مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کردند که نتیجه آن برای کل مقیاس ۰/۹۶ بدست آوردند. محسنی‌اژیه و قمرانی (۱۳۹۵) برای احراز روایی پرسشنامه از روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی تأییدی استفاده کردند که ساختار پنج عاملی مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، تأیید نمودند و میزان پایایی مقیاس با ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۲ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، میزان پایایی مقیاس به روش ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ به دست آمد.

۳- پرسشنامه توانایی‌های شناختی^۱: پرسشنامه توانایی‌های شناختی توسط نجاتی (۱۳۹۲) طراحی شده که شامل ۳۰ گویه و هفت خرده مؤلفه حافظه فعال (گویه‌های ۱ تا ۶)، کنترل مهاری (گویه‌های ۷ تا ۱۲)، تصمیم‌گیری (گویه‌های ۱۳ تا ۱۷)، برنامه‌ریزی (گویه‌های ۱۸ تا ۲۰)، توجه پایدار (گویه‌های ۲۱ تا ۲۳)، شناخت اجتماعی (گویه‌های ۲۴ تا ۲۶) و انعطاف‌پذیری شناختی (گویه‌های ۲۷ تا ۳۰) می‌باشد. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از تقریباً هرگز (۱) تا تقریباً همیشه (۵) انجام می‌شود. از آنجایی که تعداد گویه‌های هر مؤلفه متفاوت هستند؛ لذا از در گزارش میانگین‌ها، مجموع نمرات کل مقیاس و مؤلفه‌های آن بر تعداد گویه‌ها، تقسیم شده که عددی بین طیف نمره‌گذاری (۰ تا ۵) است. نجاتی (۱۳۹۲) برای احراز پایایی این پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی بازآزمایی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کرده که نتیجه آن برای کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۶ بدست آوردند. در این مطالعه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۰ و برای خرده مؤلفه‌های حافظه فعال ۰/۸۵، کنترل مهاری ۰/۸۱، تصمیم‌گیری ۰/۷۸، برنامه‌ریزی ۰/۸۰، توجه پایدار ۰/۷۵، شناخت اجتماعی ۰/۷۷ و انعطاف‌پذیری شناختی ۰/۷۰ به دست آمد.

یافته‌ها

نتایج جمعیت شناختی پژوهش نشان داد که از ۲۰۰ نفر مورد مطالعه ۱۲۰ نفر (۶۰ درصد) دانش‌آموز پایه دهم، ۳۰ نفر (۱۵ درصد) دانش‌آموز پایه یازدهم و ۵۰ نفر (۲۵ درصد) دانش‌آموز پایه دوازدهم بودند. در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد، کجی، کشیدگی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد، کجی، کشیدگی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. توانایی‌های شناختی										
۲. حافظه فعال	۰/۷۳**									
۳. کنترل مهارت	۰/۷۷**	۰/۴۷**								
۴. تصمیم‌گیری	۰/۶۸**	۰/۳۸**	۰/۳۰**							
۵. برنامه‌ریزی	۰/۵۱**	۰/۱۶*	۰/۱۹**	۰/۲۷**						
۶. توجه پایدار	۰/۳۸**	۰/۱۳	۰/۳۲**	۰/۰۲	۰/۲۱**					
۷. شناخت اجتماعی	۰/۵۰**	۰/۳۸**	۰/۱۵*	۰/۲۸**	۰/۳۳**	۰/۰۳				
۸. انعطاف‌پذیری شناختی	۰/۷۷**	۰/۳۷**	۰/۴۶**	**۰/۵۳	۰/۳۰**	۰/۱۷**	۰/۲۳**			
۹. بی‌حوصلگی	-۰/۵۵**	-۰/۳۹**	-۰/۴۳**	-۰/۳۹**	-۰/۳۰**	-۰/۲۷**	-۰/۱۴*	-۰/۳۹**		
۱۰. آمادگی به اعتیاد	-۰/۵۶**	-۰/۴۱**	-۰/۴۷**	-۰/۳۶**	-۰/۳۱**	-۰/۲۵**	-۰/۲۰**	-۰/۳۶**	۰/۵۹**	
میانگین	۳/۴۳	۳/۶۵	۳/۲۶	۳/۴۴	۳/۶۴	۳/۱۵	۳/۳۷	۳/۴۱	۲/۶	۱/۰۴
انحراف استاندارد	۰/۵۰	۰/۷۶	۰/۶۸	۰/۸۲	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۶۰	۰/۴۷
کجی	۰/۴۶	-۰/۰۲	۰/۴۱	-۰/۰۵	-۰/۵۱	-۰/۰۲	-۰/۱۷	-۰/۲۹	-۰/۰۷	۰/۶۲
کشیدگی	-۰/۰۲	-۰/۷۴	-۰/۵۳	-۰/۶۳	-۰/۲۲	-۰/۴۰	-۰/۳۶	-۰/۳۲	۰/۲۶	۰/۲۵

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد بین همه بین توانایی‌های شناختی و ابعاد آن با بی‌حوصلگی و آمادگی به اعتیاد رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد ($p < 0.01$)؛ همچنین رابطه‌ی بین بی‌حوصلگی و آمادگی به اعتیاد مثبت و معنی‌دار بود ($p < 0.01$). برای آزمون مدل فرضی، چند مفروضه اصلی معادلات ساختاری شامل داده‌های گمشده^۱، نرمال بودن^۲ و هم‌خطی

1. missing

2. normality

چندگانه^۱ بررسی شد. در پژوهش حاضر از روش جایگزینی^۲ داده‌های گمشده با میانگین استفاده شد و جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها استفاده گردید. دامنه مقادیر ضریب کجی از ۰/۵۱- تا ۰/۶۲ و دامنه مقادیر ضریب کشیدگی از ۰/۷۴- تا ۰/۲۶ بود. در مجموع مقادیر کجی و کشیدگی مربوط به تمام متغیرهای مشاهده‌شده، کمتر از یک بود که بیانگر آن است که توزیع هیچ کدام از متغیرهای مشاهده‌شده، تفاوت معنی‌دار با توزیع نرمال ندارد. هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین نیز با استفاده از آماره اغماض یا تحمل^۳ و عامل تورم واریانس^۴ بررسی شد. نتایج نشان داد که مقادیر ارزش‌های تحمل به‌دست‌آمده برای متغیرها بالای ۰/۴۴ و در دامنه ۰/۴۴ تا ۰/۷۴ بود که نشان‌دهنده نبود هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین است. همچنین مقدار عامل تورم واریانس به‌دست‌آمده برای متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ و در دامنه ۱/۲۹ تا ۲/۲۷ بود که بیانگر نبود هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین است. جدول ۲ شاخص‌های برازش مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل‌های پیشنهادی و اصلاح‌شده

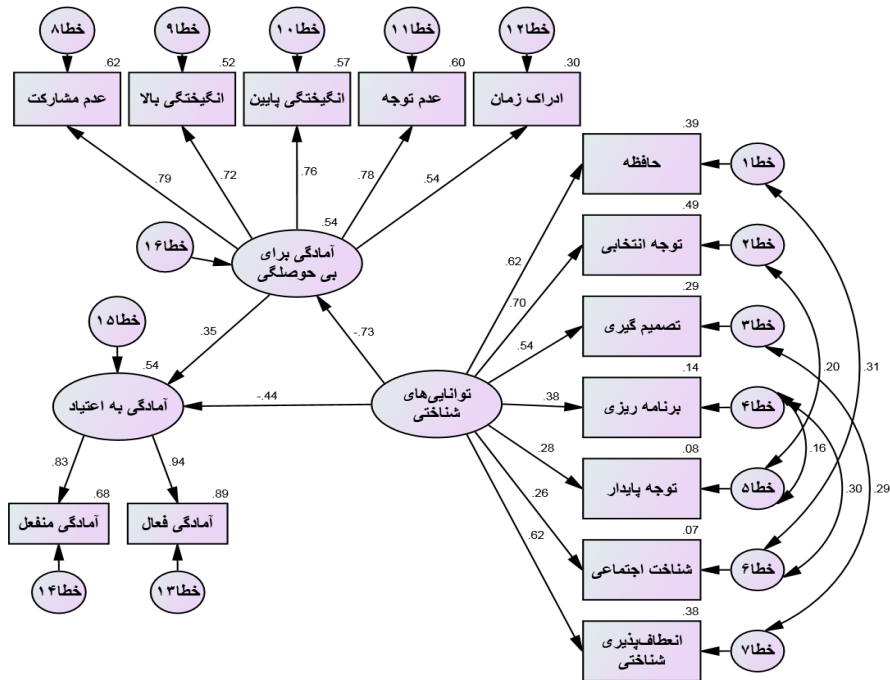
شاخص	χ^2	Df	P	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI	TLI
مدل پیشنهادی	۱۸۵/۲۱	۷۴	۰/۰۰۱	۲/۵۰	۰/۰۸۷	۰/۸۸	۰/۸۳	۰/۹۰	۰/۸۴	۰/۹۰	۰/۸۷
مدل اصلاح‌شده	۱۳۳/۲۹	۶۹	۰/۰۰۱	۱/۹۳	۰/۰۶۸	۰/۹۱	۰/۸۷	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۹۲
مقدار مطلوب	-	-	>۰/۰۵	<۳	<۰/۰۸	>۰/۹۰	>۰/۸۵	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰

نتایج جدول ۲ نشان داد مدل پیشنهادی اولیه دارای برازش در برخی از شاخص‌ها نبود. از این رو، به کمک شاخص‌های اصلاحی^۵ پیشنهادی بین بعضی از خرده مؤلفه‌های توانایی‌های شناختی (حافظه و شناخت اجتماعی؛ توجه انتخابی و توجه پایدار؛ تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری شناختی؛ برنامه‌ریزی و توجه پایدار؛ برنامه‌ریزی و شناختی اجتماعی) روابط دو طرفه برقرار شد و نتایج مدل اصلاح‌شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که

1. multicollinearity
2. replacement
3. tolerance

4. variance inflation factor
5. modification indices

بر اساس معیار هو و بنتلر^۱ (۱۹۹۹؛ به نقل از عامری، ۱۴۰۱) مدل از برازش مطلوبی برخوردار است. ضرایب استاندارد مسیرهای مدل مفهومی در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: مدل اصلاح شده نقش واسطه‌ای بی حوصلگی در رابطه بین توانایی‌های شناختی با آمادگی به اعتیاد

جدول ۳ اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳: ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای مستقیم مدل پژوهش

نتیجه	P	C.R	S.E	ضریب بتا	ضریب تعیین	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
تأیید	۰/۰۰۱**	-۳/۴	۰/۱۲	-۰/۴۴		آمادگی به اعتیاد	توانایی‌های شناختی
تأیید	۰/۰۰۳**	۲/۹۷	۰/۱۰	۰/۳۵		آمادگی به اعتیاد	بی حوصلگی
تأیید	۰/۰۰۱**	-۶/۵۶	۰/۱۲	-۰/۷۳	۰/۴۱	بی حوصلگی	توانایی‌های شناختی

** $p < 0/01$

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود ضرایب مسیر مربوط به اثرهای مستقیم متغیرهای پژوهش در سطح ۰/۰۵ معنادار است. در ادامه به منظور آزمون معناداری نقش میانجی بی‌حوصلگی در رابطه بین توانایی‌های شناختی با آمادگی به اعتیاد از آزمون بوت استرپ^۱ با ۲۰۰۰ نمونه استفاده شد.

جدول ۴: نتایج آزمون بوت استرپ اثر غیرمستقیم مدل پژوهش

سطح معنی‌داری	فاصله اطمینان ۹۵٪		اثر غیرمستقیم	مسیر	
	حد بالا	حد پایین		متغیر واسطه	متغیر ملاک
۰/۰۴*	-۰/۳۹	-۰/۰۶	-۰/۲۵	بی‌حوصلگی	توانایی‌های شناختی
				آمادگی به اعتیاد	

* $p < 0.05$

طبق نتایج جدول ۴، مسیر غیرمستقیم مدل تأیید شد. در نتیجه بی‌حوصلگی به صورت جزئی و نه کلی قادر به میانجیگری معنادار بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک بود و توانایی‌های شناختی از طریق میانجیگری بی‌حوصلگی اثر غیرمستقیم بر آمادگی به اعتیاد دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه علی‌توانایی‌های شناختی و آمادگی به اعتیاد با میانجیگری بی‌حوصلگی در دانش‌آموزان پسر، بود. مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر مدل میانجیگری بی‌حوصلگی در رابطه بین توانایی‌های شناختی و آمادگی به اعتیاد در دانش‌آموزان، برآورده شده بود. به منظور بررسی نقش میانجیگری بی‌حوصلگی مسیرهای مربوطه به تفکیک بررسی شد. نخستین مسیر، رابطه مستقیم توانایی‌های شناختی و آمادگی به اعتیاد بود. در خصوص مسیر اول نتایج با یافته‌های پژوهش‌های سانچز-گارسیا و همکاران (۲۰۲۰)، اسلوبودین و همکاران (۲۰۲۰)، سولر و همکاران (۲۰۱۹)، برتلسون و همکاران (۲۰۱۷) و مسلمان و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که نقص در مهارت‌های شناختی عالی با کاهش ادراک خطر و افزایش رفتارهای پرخطر رابطه مستقیمی دارد. نوجوانان دارای کارکردهای شناختی بالاتر،

خودکنترلی بیشتری بر رفتارهای تکانشی دارند و توانایی این را دارند که امیال و تکانه‌های ناگهانی را به طور معقولی کنترل کنند و رفتارهای بدون فکر را بازداری نمایند. همچنین قدرت تصمیم‌گیری، برگزینی اهداف مناسب و اجتناب از تقلید صرف از همسالان از دیگر ویژگی‌های نوجوانان دارای توان شناختی بالاتر می‌باشد که این ویژگی‌ها می‌توانند باعث کاهش رفتارهای پرخطر گردند. بالا بودن میزان توجه پایدار، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توانایی‌های شناختی نیز منجر به تمرکز بر اهداف مناسب و عدم توجه به محرک‌های ناخواسته محیطی در نوجوانان می‌شود و در نتیجه می‌تواند افزایش رفتارهای هدفمند را به دنبال داشته باشد و از رفتارهای پرخطر در نوجوانان جلوگیری به عمل آورد. علاوه بر این، انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان مؤلفه دیگری از توانایی‌های شناختی، منجر به اتخاذ رفتارهای ابتکاری برای رسیدن به اهداف شخصی می‌شود و باعث می‌گردد که نوجوانان راه‌حل‌های مختلف را برای رهایی از بن‌بست‌های زندگی به کار بگیرند و بدین وسیله ناکامی کمتری را تجربه کرده و احتمال گرایش آنان به مصرف مواد کاهش می‌یابد.

مسیر دوم مبنی بر تأثیر مستقیم توانایی‌های شناختی بر بی‌حوصلگی تأیید شد. این یافته با نتایج پژوهش‌های زارعی و همکاران (۱۴۰۱)، نلسون-بیکر (۲۰۲۰)، والاس و همکاران (۲۰۰۳) و گوردن و همکاران (۱۹۹۷) همخوان است. نتایج بدست آمده را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که پردازش شناختی یا فعالیت توانایی‌های شناختی یادگیرنده، از جمله عوامل اثرگذاری است که در تمام جنبه‌های رفتاری، اجتماعی و هیجانی تأثیر بسزایی دارد. توانایی‌های شناختی با ماهیت شناختی-رفتاری خود در صورت وجود نقص کارکردی می‌تواند سبب بروز مشکلات شناختی و رفتاری در دانش‌آموزان شده و به همین علت، در طی فرایند یادگیری و یا پیشرفت تحصیلی بر پردازش شناختی و رفتاری دانش‌آموز اثرگذار است (پنگ و کیویت^۱، ۲۰۲۰). فعال شدن توانایی‌های شناختی مانند توجه، تمرکز و همچنین برنامه‌ریزی، با افزایش توانمندی شناختی و فراشناختی دانش‌آموز مرتبط است؛ به این معنا که حساسیت تشدید یافته دانش‌آموز نسبت به موضوع‌های راه

انداز نیازهای ارضا نشده امنیت، محبت، احساس همدلی و پذیرش، با کاهش توانایی‌های شناختی مرتبط است که می‌تواند بی‌حوصلگی را تحت تأثیر قرار دهد. مطابق با رویکرد شناختی، افزایش فعالیت توانایی‌های شناختی دانش‌آموزان با محیط تحصیل و معلمان، با کاهش حساسیت و اضطراب و عدم امنیت، و از سویی با افزایش توانمندی‌های رفتاری در دانش‌آموزان رابطه دارد (ثورمن و تورسنی، ۲۰۱۴). یافته‌های این پژوهش همچنین تأییدی بر نقش توانایی‌های شناختی و مدل شناختی-رفتاری هستند. در این رویکرد، فرض بر این است که شناخت‌هایی در انسان شکل می‌گیرد که مبدل به رفتار می‌گردند و رفتارهایی مانند بی‌حوصلگی و بی‌انگیزگی در تحصیل، به منظور کاهش فشارها و هیجان‌های ادراک‌شده منفی، ناشی از نقص فعالیت توانایی‌های شناختی به وجود می‌آیند (دوی، ۲۰۱۹). بی‌حوصلگی و یکنواختی یکی از فشارهایی است که در جامعه کمتر بدان توجه می‌گردد و معمولاً آن را تنها یک حالت آزاردهنده بی‌اهمیت و موقت تلقی می‌نمایند. اما حقیقت چیز دیگری است؛ زیرا شواهدی بسیار گواه بر این است که یکنواختی سبب اصلی تنش، اضطراب و افسردگی است. یکنواختی نیروی محرکه برای افراد مستعد اعتیاد می‌باشد. افسردگی و اعتیاد رابطه دو طرفه دارند، افرادی که به دلیل شکست یا ناکامی در زندگی و کار دچار افسردگی می‌شوند و برای تسکین درد خود به مصرف مواد اعتیادآور مانند الکل یا سایر مخدرها روی می‌آورند، بعد از مدتی به مصرف مداوم این مواد عادت می‌کنند. بیشتر از یک سوم افراد افسرده از مواد مخدر و الکل استفاده می‌کنند؛ مصرف مواد اعتیادآور باعث افزایش مدت و شدت افسردگی و افکار منفی در فرد مصرف‌کننده می‌شود. اعتیاد باعث تغییرات فیزیولوژیکی در مغز و بدن فرد مصرف‌کننده می‌شود که افسردگی نیز می‌تواند نتیجه این تغییرات باشد.

مسیر سوم مبنی بر تأثیر مستقیم بی‌حوصلگی بر آمادگی به اعتیاد نیز تأیید شد. این یافته با نتایج پژوهش‌های زارعی (۱۴۰۰)، چو و همکاران (۲۰۱۸)، دنسون و همکاران (۲۰۱۱)، لپرا (۲۰۱۱) و وگنر و فلیشر (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این نتایج، مطابق با نظر چو و همکاران (۲۰۱۸) می‌توان اظهار داشت نوجوانانی که بی‌حوصلگی زیادی دارند، در کسب

لذت از فعالیت‌های روزانه دچار مشکل هستند و به دنبال رفتارها و فعالیت‌هایی می‌گردند که خیلی زود برای آنان پاسخ لذت را به ارمغان آورد و منجر به کاهش احساس بی‌حوصلگی در آنان گردد. از این رو، مصرف مواد برای آنان احساسی فراهم می‌کند که با تجارب معمول در زندگی روزانه آنها تفاوت دارد؛ لذا، با بالا رفتن سطح بی‌حوصلگی، احتمال گرایش و تمایل آنها به مواد مخدر بیشتر است. علاوه بر این، دنسون و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی نشان دادند که احساس بی‌حوصلگی سبب کاهش خودکنترلی در نوجوانان می‌گردد و آنها در مواجهه با تنش‌های محیط آموزشی و سایر جنبه‌های زندگی به دلیل ناتوانی در تنظیم هیجانات خود به برخی رفتارهای تکانشی برای مقابله با بی‌حوصلگی دست می‌زنند. از جمله این رفتارها جستجوی لذت آنی در زمان حال به جای پاداش‌های بزرگتر در آینده است. لذا، به نظر می‌رسد که نوجوانان با سطح بی‌حوصلگی بالا در زمان تجربه استرس شدید برای تعدیل بی‌حوصلگی و رهایی از کسالت و یکنواختی ناشی از این احساس به سمت لذت‌های فوری مانند مصرف مواد مخدر گرایش پیدا می‌کنند. همچنین در تبیین نتایج پژوهش حاضر، وستگیت و ویلسون^۱ (۲۰۱۸) اظهار می‌کنند که بی‌حوصلگی منجر به علائم افسردگی می‌شود و ابتلا فرد به افسردگی به علل گوناگون در ادامه به کاهش معنای زندگی شخصی فرد می‌گردد و فرد به دلیل نداشتن برنامه‌ای در زندگی، احساس بی‌ارزشی می‌کند و در کل به دلیل نبود فهمی عقلانی از خود، دیگران و زندگی، در جهت کاهش احساسات منفی ناشی از بی‌حوصلگی و افسردگی به مواد اعتیادآور گرایش پیدا می‌کند.

در نهایت، یافته پژوهش نشان داد توانایی‌های شناختی از طریق میانجیگری بی‌حوصلگی اثر غیرمستقیم بر آمادگی به اعتیاد دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های زارعی و همکاران (۱۴۰۱)، مسلمان و همکاران (۱۳۹۷)، سانچز-گارسیا و همکاران (۲۰۲۰)، اسلوبودین و همکاران (۲۰۲۰)، سولر و همکاران (۲۰۱۹)، برتلسون و همکاران (۲۰۱۷)، نلسون-بیکر (۲۰۲۰)، والاس و همکاران (۲۰۰۳) و گوردن و همکاران (۱۹۹۷) همسو است. به گفته صاحب‌نظران و محققین، بی‌حوصلگی از پیامدهای نقص در توجه و عدم

علاقه به فعالیت‌های فعلی است؛ همچنین تعدادی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بی‌حوصلگی در افراد به دلیل نقص در ناحیه‌ای است که کنترل برخی از کنش‌ها را عهده‌دار است. این افراد ممکن است دارای یک نقص در لوب پیشانی باشند. لوب پیشانی کنترل برخی از کنش‌ها، مثل حل مسأله، حافظه فعال، استدلال کردن، توجه و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی را بر عهده دارد؛ بنابراین نقص در این توانایی باعث بی‌حوصلگی می‌شود (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۰). در مطالعه جیانگ^۱ و همکاران (۲۰۰۰) پاسخ‌های مغز به تجربه تکراری دیداری را در افراد مستعد بی‌حوصلگی بررسی کردند؛ نتایج بیانگر این بود که بعضی از قسمت‌های لوب فرونتال با بی‌حوصلگی وابسته است. از سوی دیگر، بی‌حوصلگی به عنوان یک آسیب روانی یا ویژگی شخصیتی هسته‌ای به‌مرور زمان باعث می‌گردد که کنترل خود در دانش‌آموزان کم شود و آنها در مواجهه با تنش‌های تحصیلی و سایر جنبه‌های زندگی به دلیل ناتوانی در تعدیل هیجانات خود به برخی رفتارهای تکانشی برای مقابله با بی‌حوصلگی اقدام کنند. به عبارتی، هنگامی که تقاضاهای محیطی پایین‌تر از سطح توانایی فرد هستند، این امر منجر به فقدان چالش در فرد می‌شود و بی‌حوصلگی ناشی از آن باعث می‌شود خودکنترلی فرد کاهش یابد و در کسب لذت از فعالیت‌های روزانه و اوقات فراغت خود دچار مشکل گردد. همچنین باعث می‌شود فرد به دنبال رفتارها و فعالیت‌هایی باشد که خیلی سریع برای او پاسخ لذت را مهیا کند و منجر به کاهش احساس بی‌حوصلگی در او شود. لذا برای بهبود این وضعیت و رفع احساس کسالت به استفاده از مواد مخدر روی می‌آورند و در طولانی مدت، استفاده مفرط از آن، موجب می‌شود که افراد از جامعه و ارتباط واقعی فاصله بگیرند، انزواطلب شوند و اولویت‌های اجتماعی نظیر تحصیل و اشتغال را رها کنند. افت در عملکردهای حرفه‌ای و تحصیلی، افزایش احتمال بروز اختلالات روانی نظیر اضطراب و افسردگی، ناامیدی، احساس تنهایی و بی‌هدفی در زندگی و از همه مهم‌تر افزایش خطر مصرف مواد مخدر از جمله پیامدهای منفی پدیده بی‌حوصلگی هستند (میلتون و اسچولنبرگ^۲، ۲۰۰۷).

1. Jiang

2. Melton & Schulenberg

در مجموع یافته‌های این پژوهش شواهد مطلوبی را برای تأیید نقش واسطه‌گری بی‌حوصلگی در رابطه‌ی بین توانایی‌های شناختی و آمادگی به اعتیاد فراهم نمود و اطلاعات ارزشمندی را درباره ویژگی‌های کارکردی توانایی‌های شناختی و بی‌حوصلگی در بافت مطالعاتی پیشایندهای آمادگی به اعتیاد فراهم کرده است. محدود بودن نمونه آماری به دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم از جمله محدودیت‌های پژوهش است که لازم در تعمیم‌دهی به سایر مقاطع و گروه‌های سنی و دانش‌آموزان دختر جنبه احتیاط رعایت گردد. شایسته است که این پژوهش در سایر اقشار جامعه مانند دانشجویان صورت پذیرد و تا جایی که امکان دارد از سنج‌ها و ابزارهای متنوع‌تری برای اندازه‌گیری توانایی‌های شناختی استفاده گردد. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است و این تکنیک مبتنی بر همبستگی می‌باشد؛ لذا از استنباط روابط علی باید احتیاط کرد. در نهایت این که با وجود شواهد پژوهشی متعدد که نشان می‌دهند توانایی‌های شناختی باعث می‌شود از آمادگی به اعتیاد کاسته شود، یافته‌های این پژوهش بیانگر اهمیت توجه به توانایی‌های شناختی و عدم بی‌حوصلگی در کاهش آمادگی به اعتیاد بود. با توجه به اینکه پژوهش حاضر از جمله محدود پژوهش‌هایی می‌باشد که به بررسی یک مدل ساختاری در زمینه‌ی آمادگی به اعتیاد پرداخته است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به بررسی سایر متغیرهای مهم روان‌شناختی و خانوادگی مؤثر بر آمادگی به اعتیاد پرداخته شود. همچنین به لحاظ کاربردی نتایج این پژوهش پیام‌آور آن است که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به آموزش و ارتقای توانمندی‌های شناختی و کاهش بی‌حوصلگی بپردازند. با نظر به اینکه سیستم‌های آموزشی بیش از هر زمان دیگری با خطرات مختلفی مواجه هستند، می‌طلبند که مدارس ایران اولویت خود را کاهش خطرات با رویکرد ایجاد توانایی‌های شناختی قرار دهد و همانند کشورهای دیگر دست به اقداماتی بزند.

منابع

- بشروپور، سجاد و محمدنژاد دوین، عارفه (۱۴۰۱). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های سایکوپاتیک با آمادگی به اعتیاد: با آزمون نقش واسطه‌ای بی‌اشتیاقی اخلاقی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۶(۶۵)، ۹۷-۱۲۰.
- زارعی، سلمان (۱۴۰۰). رابطه حالت بی‌حوصلگی با آمادگی اعتیاد در بین نوجوانان پسر: نقش تعدیل‌کنندگی بهزیستی معنوی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۵(۵۹)، ۸۴-۶۵.
- زارعی، سلمان؛ فولادوند، خدیجه و زبردی شعبانی، زهرا (۱۴۰۱). اثربخشی درمان شناختی-رفتاری مثبت‌نگر بر بی‌حوصلگی و اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۸(۴)، ۱۸-۲۰۶-۱۹۱.
- زرگر، یدالله؛ نجاریان، بهمن و نعمی، عبدالزهرا (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی (هیجان‌خواهی، ابراز وجود و سرسختی روان‌شناختی)، نگرش مذهبی و رضایت زناشویی با آمادگی به اعتیاد به مواد مخدر در کارکنان شرکت صنعتی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۱۵(۱)، ۱۲۰-۹۹.
- شیخ‌الاسلامی، علی؛ کیانی، احمدرضا؛ احمدی، شیلان و سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۵). پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد براساس سیستم‌های فعال‌ساز و بازدارنده رفتاری، انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل آشفتگی در دانش‌آموزان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۰(۳۹)، ۱۲۸-۱۰۹.
- صدری‌دمیرچی، اسماعیل؛ رئیس‌قره‌دریشلو، سجاد و رحیمی‌زرچ‌آباد، نقی (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد در جوانان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۲(۴۵)، ۱۳۰-۱۱۴.
- عامری، نرجس (۱۴۰۱). روابط ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ولع مصرف در افراد وابسته به مواد تحت درمان نگهدارنده با متادون: نقش میانجی شفقت به خود. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۶(۶۶)، ۴۷-۷۰.
- علیزاده‌گورادل، جابر؛ بیرامی، منصور و هاشمی‌نصرت‌آباد، تورج (۱۳۹۲). پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد بر اساس نشانه‌های نقص توجه/بیش‌فعالی در بزرگسالان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۲۷(۲۷)، ۹۳-۱۰۶.
- فرهادی، علی؛ پوراعتقاد، حمیدرضا؛ عسگری، علی و خوشایی، کتایون (۱۳۹۰). پیش‌بینی-کننده‌های بی‌حوصلگی در نوجوانان. *مجله‌ی اصول بهداشت روانی*، ۱۳(۱)، ۱۰۴-۹۴.

قره‌داغی، شکرالله؛ یحیی‌زاده پیرسرایبی، حسین؛ ذکابی، محمدسعید و آقابخشی، حبیب (۱۴۰۱). فهم و شناخت مسائل و نیازهای نوجوانان وابسته به مواد محرک. فصلنامه اعتیاد‌پژوهی، ۱۶(۶۶)، ۱۹۳-۲۲۲.

قنبری، صالح؛ اکبرزاده، داود؛ اکبرزاده، حسن و اسماعیل‌پور، خلیل (۱۳۹۵). مقایسه حافظه کوتاه‌مدت و بلندمدت در مردان معتاد به تریاک، معتاد ترک کرده و افراد سالم. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ۸(۱)، ۱۱۶-۱۰۷.

محسنی‌اژیه، علیرضا و قمرانی، امیر (۱۳۹۵). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس چندبعدی حالت بی‌حوصلگی در مادران دارای فرزند مبتلا به اختلال طیف اوتیسم. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۵(۹)، ۸۳۴-۸۲۱.

مرادی‌شکیب، آمنه؛ قدم‌پور، سمانه و سقایی پورسینی، مهدیه (۱۳۹۶). مقایسه گرایش به مصرف مواد و مشکلات روان‌شناختی در نوجوانان عادی و آهسته‌گام. فصلنامه توانمندسازی کودکان استثنایی، ۸(۲۱)، ۴۵-۳۵.

مسلمان، مهسا؛ حسینی، عاصفه و صادق‌پور، مریم (۱۳۹۷). پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد بر اساس سیستم‌های مغزی بازداری فعال‌سازی رفتاری و توانایی‌های شناختی در بین دانشجویان موسسه آموزش عالی آمل در سال ۹۷-۱۳۹۶. علوم مراقبتی نظامی، ۵(۲)، ۱۵۵-۱۴۶.

نجاتی، وحید (۱۳۹۲). پرسشنامه توانایی‌های شناختی: طراحی و بررسی خصوصیات روان-سنجی. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۱۵(۲)، ۱۹-۱۱.

References

- Berthelsen, D., Hayes, N., White, S. L., & Williams, K. E. (2017). Executive function in adolescence: Associations with child and family risk factors and self-regulation in early childhood. *Frontiers in psychology*, 8(1), 903-917.
- Brosowsky, N. P., Barr, N., Mugon, J., Scholer, A. A., Seli, P., & Danckert, J. (2022). Creativity, boredom proneness and well-being in the pandemic. *Behavioral sciences*, 12(3), 68-81.
- Chidakwa, N., Modise, A. M., & Khanare, F. P. (2023). Drug abuse: a hindrance to optimal functioning of the rural learner's cognitive capabilities. *Research in social sciences and technology*, 8(3), 155-175.
- Chou, W. J., Chang, Y. P., & Yen, C. F. (2018). Boredom proneness and its correlation with internet addiction and internet activities in adolescents with attention- deficit/ hyperactivity disorder. *Kaohsiung journal of medical sciences*, 34(8), 467-474.

- Denson, T. F., Pedersen, W. C. W., Friese, M., Hahm, A., & Roberts, L. (2011). Understanding impulsive aggression: Angry rumination and reduced self-control capacity are mechanisms underlying the provocation-aggression relationship. *Personality and social psychology bulletin*, 37(6), 850-862.
- Dewaele, J. M., & Li, C. (2021). Teacher enthusiasm and students' social-behavioral learning engagement: The mediating role of student enjoyment and boredom in Chinese EFL classes. *Language teaching research*, 25(6), 922-945.
- Dewi, R. D. C. (2019). *Exclusive function and bullying pada mahasiswa di universit as X Jakarta*. Doctoral dissertation, University Negeri Jakarta.
- Fahlman, S. A., Mercer-Lynn, K. B., Flora, D. B., & Eastwood, J. D. (2011). Development and validation of the multidimensional state boredom scale. *Assessment journal*, 20(1), 68-85.
- Gordon, A., Wilkinson, R., McGown, A., & Jovanoska, S. (1997). The psychometric properties of the Boredom Proneness Scale: An examination of its validity. *Psychological studies*, 42(2-3), 85-97.
- Hunter, J. A., & Eastwood, J. D. (2021). Understanding the relation between boredom and academic performance in postsecondary students. *Journal of educational psychology*, 113(3), 499-514.
- Jiang, Y., Haxby, J. V., Martin, A., Ungerleider, L. G., & Parasuraman, R. (2000). Complementary neural mechanisms for tracking items in human working memory. *Science*, 287(5453), 643-646.
- Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- Koob, G. F., & Volkow, N. D. (2016). Neurobiology of addiction: a neurocircuitry analysis. *The lancet psychiatry*, 3(8), 760-773.
- Lee, F. K., & Zelman, D. C. (2019). Boredom proneness as a predictor of depression, anxiety and stress: The moderating effects of dispositional mindfulness. *Personality and individual differences*, 146(1), 68-75.
- Lepera, N. (2011). Relationships between boredom proneness, mindfulness, anxiety, depression, and substance use. *The new school psychology bulletin*, 8(2), 15-25.
- Levrán, O., Peles, E., Randesi, M., Da Rosa, J. C., Ott, J., Rotrosen, J., & Kreek, M. J. (2016). Glutamatergic and GABAergic susceptibility loci for heroin and cocaine addiction in subjects of African and European ancestry. *Progress in neuro-psychopharmacology and biological psychiatry*, 64(4), 118-123.
- Melton, A. M., & Schulenberg, S. E. (2007). On the relationship between meaning in life and boredom proneness: Examining a logotherapy postulate. *Psychological reports*, 101(3), 1016-1022.
- Moustafa, A. A., Parkes, D., Fitzgerald, L., Underhill, D., Garami, J., Levy-Gigi, E., Stramecki, F., Valikhani, A., Frydecka, D., & Misiak, B. (2021).

The relationship between childhood trauma, early-life stress, and alcohol and drug use, abuse, and addiction: An integrative review. *Current psychology*, 40(2), 579-584.

- Nelson-Becker, H. (2020). *Developing communities of practical wisdom: an exercise in the synthesis of memory, religion and pragmatism in religious studies*. The Religious Studies Project Available at <https://www.religiousstudiesproject.com/response/developing-communitiesof-practical-wisdom/>
- O'Leary-Barrett, M., Castellanos-Ryan, N., Pihl, R. O., & Conrod, P. J. (2016). Mechanisms of personality-targeted intervention effects on adolescent alcohol misuse, internalizing and externalizing symptoms. *Journal of consulting and clinical psychology*, 84(5), 438-452.
- Peng, P., & Kievit, R. A. (2020). The development of academic achievement and cognitive abilities: A bidirectional perspective. *Child development perspectives*, 14(1), 15-20.
- Reindl, M., Tulis, M., & Dresel, M. (2018). Associations between friends, academic emotions and achievement: Individual differences in enjoyment and boredom. *Learning and individual differences*, 62(1), 164-173.
- Sánchez-García, N. C., González, R. A., Ramos-Quiroga, J. A., Van Den Brink, W., Luderer, M., Blankers, M., & ICASA group. (2020). Attention deficit hyperactivity disorder increases nicotine addiction severity in adults seeking treatment for substance use disorders: the role of personality disorders. *European addiction research*, 26(4-5), 191-200.
- Sharp, J. G., Sharp, J. C., & Young, E. (2020). Academic boredom, engagement and the achievement of undergraduate students at university: A review and synthesis of relevant literature. *Research papers in education*, 35(2), 144-184.
- Slobodin, O., Blankers, M., Kapitány-Fövény, M., Kaye, S., Berger, I., Johnson, B., Demetrovics, Z., Van Den Brink, W., & Van Den Glind, G. (2020). Differential diagnosis in patients with substance use disorder and/or attention-deficit/hyperactivity disorder using continuous performance test. *European addiction research*, 26(3), 151-162.
- Soler, A., Sánchez-Mora, C., Rovira, P., Richarte, V., Garcia-Martínez, I., Pagerols, M., Demontis, D., Stringer, S., Vink, J. M., Børglum, A. D., Neale, B. M., Franke, B., Faraone, S. V., Casas, M., Ramos-Quiroga, J. A., & Ribasés, M. (2019). Attention-deficit/hyperactivity disorder and lifetime cannabis use: genetic overlap and causality. *Molecular psychiatry*, 25(10), 2493-2503.
- Thurman, S. K., & Torsney, B. M. (2014). Meditation, mindfulness and executive functions in children and adolescents. In N. N. Singh (Ed.), *Psychology of meditation* (pp. 187-207). Nova Science Publishers.
- Wallace, J. C., Vodanovich, S. J., & Restino, B. M. (2003). Predicting cognitive failures from boredom proneness and daytime sleepiness scores:

- An investigation within military and undergraduate samples. *Personality and individual differences*, 34(4), 635-644.
- Weed, N. C., Butcher, J. N., McKenna, T., & Ben-Porath, Y. S. (1992). New measures for assessing alcohol and drug abuse with the MMPI-2: The APS and AAS. *Journal of personality assessment*, 58(2), 389-404.
- Wegner, L., & Flisher, A. J. (2009). Leisure boredom and adolescent risk behavior: a systematic review. *Journal of child and adolescent mental health*, 2(1), 1-28.
- Westgate, E. C., & Wilson, T. D. (2018). Boring thoughts and bored minds: The MAC model of boredom and cognitive engagement. *Psychological review*, 125(5), 689-713.
- Xu, Y., Shao, J., Zeng, W., Wu, X., Huang, D., Zeng, Y., & Wu, J. (2021). Depression and creativity during COVID-19: psychological resilience as a mediator and deliberate rumination as a moderator. *Frontiers in psychology*, 12, 1-12.